

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> doi 10.22034/marefatefarhangi.2025.5001646 dor 20.1001.1.20088582.1403.16.1.4.9


The Formulation of the Concept of Gender in the Islamic View


Mohammad Aref Mohebbi  / Graduate of the fourth level from Al-Mustafa International University
Received: 2025/02/05 - Accepted: 2025/04/09 ma.mohebbi2014@gmail.com


Abstract

In the symbolic system of language, concepts obtain their meaning from the whole system and are used close together. Discovering the meanings of words requires knowing the conceptual system that the linguistic system seeks to express. Gender is a focal concept in the linguistic system and evokes relatively different meanings in different concepts. Using the library method, this article has tried to analyze the concept of gender in the semantic system of Islam by collecting data and processing them through the “method of semantic thematic interpretation”. For this purpose, the concept of gender is considered as a focal concept. By determining the relation of gender to the key concepts, its levels and dimensions are discovered based on religious texts. In terms of the origin of gender differences, the concept of gender and sexual differences is referred to and the necessity of paying attention to gender rules in social relations is substantiated. The concept of gender identity refers to female and male personality and reflects dignity, rights and gender self-development. The concept of gender and division of labor reflects the base, normative system and gender socialization in the context of social relations, especially in the family institution. Based on this formulation, the fundamental position of gender in the structure of Islamic society and consequently in Islamic sociology studies is revealed.

Keywords: Islam, gender, sexual differences, gender identity, gender-based division of labor, sociology of gender.

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

 10.22034/marefatfarhangi.2025.5001646

 20.1001.1.20088582.1403.16.1.4.9

نوع مقاله: پژوهشی

صورت‌بندی مفهوم جنسیت در انگاره اسلامی

ma.mohebbi2014@gmail.com

محمدعارف محبی / دانش‌آموخته سطح چهار جامعه‌المصطفی العالمیه

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

چکیده

مفاهیم در دستگاه نمادین زبان نزدیک به یکدیگر استعمال شده و معنای ملموس خود را از مجموع دستگاه به‌دست می‌آورند. کشف معانی کلمات مستلزم دانستن دستگاه تصویری است که دستگاه زبانی درصدد بیان آن می‌باشد. جنسیت از مفاهیم کانونی در دستگاه زبانی است که در انگاره‌های متفاوت، معانی نسبتاً متفاوتی را تداعی می‌کند. این مقاله با روش کتابخانه‌ای برای تمهید داده‌ها و پردازش آنها با «روش تفسیر موضوعی معناشناسانه» کوشیده است مفهوم جنسیت در دستگاه معنایی اسلام را واکاوی کند. برای تحقق این مهم، مفهوم جنسیت در این تحقیق به‌مثابه مفهوم کانونی مدنظر قرار گرفته و از طریق تعیین نسبت آن با مفاهیم کلیدی مرتبط، سطوح و ابعاد آن از منظر متون دینی آشکار شده است. در سطح خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی، به مفهوم جنس و تفاوت‌های جنسی اشاره شده و ضرورت توجه به احکام جنسیتی در مناسبات اجتماعی مستدل گردیده است. مفهوم هویت جنسیتی ناظر به نظام شخصیتی زنانه و مردانه است که بازتابنده کرامت، حقوق و خودسازی جنسیتی می‌باشد. مفهوم جنسیت و تقسیم کار، پایگاه، نظام هنجاری و جامعه‌پذیری جنسیتی را در متن مناسبات اجتماعی به‌ویژه در نهاد خانواده منعکس می‌سازد. بر مبنای این صورت‌بندی جایگاه بنیادین جنسیت در ساختار جامعه اسلامی و به تبع آن در مطالعات جامعه‌شناسی اسلامی آشکار می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اسلام، جنس، جنسیت، تفاوت‌های جنسی، هویت جنسیتی، تقسیم کار جنسیتی، جامعه‌شناسی جنسیت.

زبان دستگاه نمادین است که انسان‌ها از طریق آن با همدیگر رابطه برقرار می‌کنند. دستگاه زبان فراتر از این نقش، ابزار تفکر آدمی به‌شمار می‌آید. زبان متشکل از مجموعه مفاهیمی است که به‌مثابه یک سیستم دارای ساختار کلی و خرده‌نظام‌های مرتبط به همدیگر بوده و معطوف به خلق معنا برای پدیده‌های «زیست جهان آدمی» عمل می‌کند. مفاهیم نمادهایی هستند که تصورات انسانی را بازتاب می‌دهند (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۲۴). زبان به‌عنوان دستگاه ارتباطاتی حامل این معناست که کلمات از جهت اهمیت دارای وزن یکسان نبوده و منغلز از همدیگر معنای موردنظر را القا نمی‌کند؛ زیرا مفاهیم دارای معنای لغوی و نسبی می‌باشند. وقتی مفاهیم در دستگاه زبانی خاص صورت‌بندی می‌شوند، غالباً با حفظ معنای اصلی دارای معنای نسبی می‌شوند که این معنا از دستگاهی به دستگاه دیگر متفاوت است؛ زیرا کلمات در دستگاه ارتباطاتی نزدیک به یکدیگر استعمال شده، معنای ملموس خود را دقیقاً از مجموعه دستگاه به‌دست می‌آورند. کشف معانی دقیق کلمات مستلزم دانستن دستگاه تصویری است که دستگاه زبانی درصدد بیان آن می‌باشد. از آسیب‌های جدی در حوزه معرفت‌شناسی جهان اسلام، غفلت از معنای مفاهیم در دستگاه زبانی قرآن کریم است.

قرآن به دلیل اینکه می‌خواهد دستگاهی تصویری ارائه کند که برای همیشه معنادار باشد، کشف معانی کلمات آن دارای پیچیدگی‌های بیشتری از دستگاه‌های زبان بشری است. برای فهم کلام بشری عمدتاً دانستن معانی صرفی و قواعد نحوی ادبیات آن زبان کافی است، اما قرآن دستگاه تصویری است که الفاظش در عین اینکه از یکدیگر جدا هستند، به همدیگر متصل بوده و هریک بیانگر دیگری می‌باشد و این ارتباط به‌قدری دقیق است که یکی شاهد بر مراد دیگری است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۱۸). برای کشف معنای کلمات باید مفاهیم در شبکه مفهومی خود مورد مطالعه قرار گیرند. هر شبکه مفهومی میدان معناشناختی است و هر میدانی با محوریت کلمه کانونی و تعدادی از کلمات کلیدی ساخته می‌شود. مفهوم کانونی، نقطه مرکزی است که مجموعه‌ای از مفاهیم کلیدی همچون دانه‌های خوشه در اطراف آن با یکدیگر مرتبط می‌شوند و ابعاد یا وجهی از وجوه معنایی آن را مشخص می‌کنند و روی هم‌رفته یک حوزه معنایی خاص را شکل می‌دهند. دشواری کار تشخیص دادن کلمه کانونی از میان مجموعه کلمات کلیدی است که این انتخاب به‌ناچار به استنباط فرد بستگی پیدا می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۲۸). یکی از مفاهیم کانونی در دستگاه زبانی قرآن مفهوم جنسیت است، واکاوی ابعاد مفهومی آن در این دستگاه، دیدگاه اسلام در حوزه مناسبات جنسیتی را فهم‌پذیر می‌سازد.

در دستگاه تصویری قرآن، حیات انسانی معطوف به مفهوم کانونی طیبه معنا می‌یابد، در متون دینی، شیوه‌های ساختاربندی حیات طیب و شکل دادن به «زندگی پاکیزه» به‌خوبی ترسیم شده است و درواقع تمام گزاره‌های دینی به‌نحوی مستقیم یا غیرمستقیم انسان‌ها را به ساختن جامعه طیب دعوت می‌کنند. جامعه طیب دارای حیات (نحل: ۹۷)، فرهنگ (ابراهیم: ۲۴)، نهادهای اجتماعی (اعراف: ۵۸)، معیشت (غافر: ۶۴)، ذریه (آل عمران: ۳۸)،

محیط (سبأ: ۱۵) و مرگ طیب (نحل: ۳۲) است. اشراب معنای طیب در مفاهیم دیگر، معانی آنها را نیز متأثر می‌سازد. غفلت از این نکته مطالعات علمی در ظاهر اسلامی را متعارض با نظام معنایی و الزامات جامعه توحیدی می‌سازد. جنسیت یکی از مفاهیمی است که تفسیر غیرفنی از آن منشأ بدفهمی‌های وسیع شده است. جنسیت در نگرش اسلام از مفاهیم کانونی است که معطوف به حیات طیبه معنا یافته و با تمام میدان‌های اجتماعی که حضور جنسیتی افراد در آنها تصور می‌شود، مرتبط است. این تحقیق به منظور واکاوی مفهوم جنسیت در دستگاه تصوری اسلام، سعی دارد از طریق صورت‌بندی مفهوم جنسیت با مفاهیمی کلیدی مرتبط با آن از قبیل منزلت، زنانگی، مردانگی، هویت، حقوق، عدالت، پایگاه، هنجار و جامعه‌پذیری جنسیتی، به این پرسش پاسخ دهد که خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی و احکام مرتبط با آن در نگرش اسلام چیست؟

پیشینه تحقیق

در حوزه جنسیت مطالعات جدی و فراوانی صورت گرفته است، اما کمتر از زاویه‌ای به این موضوع ورود کرده‌اند که این تحقیق به آن نگریسته است. تحقیقات نسبتاً مرتبط با این پژوهش را می‌توان به سه دسته کلی دسته‌بندی کرد: الف) دسته‌ای از تحقیقات هرچند جنسیت را از منظر غیردینی تحلیل کرده‌اند، اما در مجموع بازتابنده ضرورت توجه به نقش جنسیت در حیات انسانی است؛ از جمله:

۱. انسیه جلالوند (۱۳۹۴) در «واکاوی مفهوم جنسیت‌مداری در آموزش و پرورش ایران»، عمدتاً به بایدها و نبایدهای مبنا قرار دادن جنسیت در سیاست‌گذاری‌های آموزشی پرداخته و توجهی به مفهوم جنسیت در متون دینی ندارد؛
۲. احمد افروز و ابوالفضل دانایی (۱۳۹۷) در «مطالعه تأثیر جنسیت در شکل‌گیری معنای پیام در فرایند ارتباطات»، تفاوت‌های ارتباطی و درک معنای پیام بین زنان و مردان را نشان می‌دهند؛
- ب) برخی تحقیقات مربوط به مبانی انسان‌شناختی و جامعه‌شناسی جنسیت می‌شوند که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره نمود:

۱. عبدالله جوادی آملی (۱۳۸۸)، زن در آئینه جلال و جمال؛
۲. مرتضی مطهری (۱۳۷۷)، مجموعه آثار (نظام حقوق زن در اسلام)، ج ۱۹؛
۳. شهلا باقری (۱۳۸۹)، راهبرد نظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی جنسیت و جامعه‌شناسی خانواده؛
۴. حسین بستان (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی جنسیت با رویکرد اسلامی؛
۵. حسین سوزنچی (۱۳۹۹)، جنسیت و فطرت؛ گامی به سوی یک «نظریه جنسی» اسلامی؛
- ج) دسته دیگری از تحقیقات هرچند با پژوهش مورد نظر قرابت بیشتری دارند؛ اما هیچ‌کدام مفهوم جنسیت را به‌طور مستقل از منظر متون دینی مورد واکاوی قرار نداده‌اند؛ از جمله:

۱. سعیده الهی‌دوست و دیگران (۱۴۰۱)، در «مقایسه و ارزیابی نقش‌های جنسیتی در فرهنگ قرآن کریم»، از رسالت حضرت موسی علیه السلام و وظایف حضرت مریم علیها السلام، اشتراک زنان و مردان در حقیقت انسانی و تفاوت نقش‌های جنسیتی را استنباط می‌کنند؛

۲. ابوالحسن بارانی و عصمت نیری (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «واکاوی تطبیقی پیامدهای عدالت جنسیتی در نظریه‌پردازی مفسران فمینیسم اسلامی، با تأکید بر آرای علامه طباطبائی»، آیات ناظر به جنسیت را با محوریت عدالت جنسیتی در این دو رویکرد تحلیل کرده‌اند؛

۳. مهدیه‌سادات مستقیم (۱۳۸۹)، در پژوهشی «رابطه ارزشمندی و جنسیت در دو تحلیل عرفانی و قرآنی» را بررسی کرده و نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی آسیبی به منزلت یکسان انسانی زنان و مردان نمی‌زند؛

۴. مجتبی عطارزاده (۱۳۸۷) در «بررسی تطبیقی مفهوم جنسیت در اسلام و غرب»، عمدتاً به نقد نگرش مدرن نسبت به زنان پرداخته است؛

۵. فریبا علاسوند (۱۴۰۱) در «واکاوی مفهومی معیارهای برابری و نابرابری در نظریه‌های عدالت و عدالت جنسیتی»، می‌خواهد با واکاوی مفهوم جنسیت به این پرسش پاسخ دهد که نسبت میان معیارها در نظریه‌های مهم عدالت با جنسیت چیست؛

و تعدادی از پژوهش‌های ارزشمند دیگری که نقش جنسیت در مناسبات اجتماعی را منعکس می‌سازند. تردیدی نیست که هر دسته از این پژوهش‌ها در بعدی از ابعاد این تحقیق از منابع مهم نظری به‌شمار می‌آیند، اما به دلیل اهمیت مبنایی مفهوم جنسیت در دانش نوپای جامعه‌شناسی جنسیت در حوزه علوم انسانی اسلامی و عدم تحقیقات کافی در این موضوع، به نظر می‌رسد که واکاوی این مفهوم از منظر متون دینی نیاز به پژوهش‌های جدی داشته باشد. در این تحقیق سعی شده که جنسیت به‌مثابه مفهوم کانونی در دستگاه تصویری قرآن و در پیوند با برخی مفاهیم کلیدی مرتبط با آن معناشناسی گردیده و در نهایت نشان داده شود که جنسیت ریشه در خاستگاه آفرینش انسان داشته و الزامات آن در تمام ابعاد و سطوح حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها ساری و جاری است. بر همین مبنا نوآوری این تحقیق را نیز می‌توان در صورت‌بندی دیدگاه اسلام در حوزه جنسیت دانست. منظور از صورت‌بندی تصویر سیستمی از مفاهیم کلیدی مرتبط با مفهوم جنسیت است که به غنای جامعه‌شناسی اسلامی و تدوین نظریه جنسیت مدد خواهد رساند.

مفهوم‌شناسی

جنس در لغت گونه‌ای از هر چیز و جنسیت مصدر جعلی به‌معنای کیفیت جنس است که در اصطلاح جدید به رجولیت و انوئیت اطلاق می‌شود (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۵، ص ۷۸۷۵). در اصطلاح علوم اجتماعی جنس به تفاوت‌های زیست‌شناختی زن و مرد اشاره دارد و جنسیت ویژگی‌های شخصیتی است (دلفی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۳). هویت جنسیتی

مفهومی است که توجه به آن به فهم مفهوم جنسیت کمک می‌کند. هویت مفهومی ناظر به حالات شخصی است. هویت جنسیتی مشتمل بر دو بُعد فردی و اجتماعی است؛ در بعد فردی خصوصیات فردی جنس به‌عنوان بخشی از مفهوم خود برجسته می‌شود و در بعد اجتماعی جنسیت به‌عنوان یک رده در سپهر اجتماعی، مبنای پاداش‌ها و تنبیه‌ها قرار می‌گیرد (گل‌بهاری، ۱۴۰۱، ص ۲۸۲-۲۸۳). هویت جنسیتی از اقسام هویت اجتماعی بوده و ناظر به تجربه شخص از فردیت خود به‌عنوان مرد یا زن بودن است (هاشمی علی‌آبادی و خسروی، ۱۴۰۰، ص ۲۱۰). هویت جنسیتی در فرایند جامعه‌پذیری تحت تأثیر کنش‌های دیگران مهم، شکل می‌گیرد و مدام بازتولید می‌شود (فولایان و برادران کاشانی، ۱۳۹۷، ص ۸). هرچند مفهوم جنسیت در قرآن نیامده؛ اما می‌توان چنین مفهومی را از مقایسه مفاهیم رجال و نساء استنباط کرد. مفهوم جنسیت در رویکردهای مختلف با حفظ معنای لغوی، تفسیرهای متفاوتی دارد که به کلیات آن اشاره می‌شود.

رویکردهای نظری

در ارتباط با جنسیت دو رویکرد کلی وجود دارد: در رویکرد مدرن، به‌ویژه در انگاره فمینیستی، به اشتراک زن و مرد در حیثیت انسانی تأکید شده و با نادیده‌انگاری تفاوت‌های جنسی، جنسیت پدیده‌ای اجتماعی در جامعه مردسالار دانسته می‌شود و از این‌رو مهندسی جامعه بر مبنای جنسیت، ستم علیه زنان تلقی می‌شود، اما در رویکرد اسلامی جنسیت بر بنیاد خلقت دو گونه انسان تفسیر شده، تأکید بر هماهنگی هویت جنسیتی با ماهیت انسانی زن و مرد می‌شود. در این رویکرد نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که به سه تفسیر کلی ظاهرگرایی، عقل‌گرایی، برهانی عرفانی و در نهایت به رویکرد منتخب «روش تفسیر موضوعی معنائشناسانه» به‌اجمال اشاره می‌شود.

ظاهرگرایی

ظاهرگرایان هرچند دیدگاه‌های نسبتاً متفاوتی دارند؛ اما در اینجا صرفاً به نگرش وهابیت که بهتر از فرقه‌های دیگر، بن‌بست‌های بی‌توجهی به دستگاه زبانی قرآن در فهم مفاهیم دینی را بازتاب می‌دهد، به‌اجمال اشاره می‌شود. مفهوم جنسیت در این نگرش از جایگاه مهمی برخوردار است. وهابیت به لحاظ انسان‌شناسی، زن را موجودی درجه دوم به‌شمار آورده و به‌گونه‌ای زنان را ضعیف تلقی می‌کند که گویا آنها را خارج از جرگه انسان‌ها می‌دانند (فرمانیان، ۱۳۹۹، ص ۵۱-۵۲). بن‌باز از مقتیان وهابیت تصریح می‌کند اگر انسان از مقابل نمازگزار عبور کند اشکال ندارد، اما عبور برخی چیزها از جمله زن، موجب بطلان نماز می‌شود (رفیعی، ۱۴۰۳). در این نگرش زن به‌عنوان موجودی شر، جهنمی و شیطانی معرفی شده و کرامت انسانی وی انکار می‌شود، با استناد به برخی احادیث جعلی و متأثر از دیدگاه عهدین، زن عنصر پلیدی دانسته می‌شود که مردان را فریفته و به گناه آلوده می‌کند (میرعلی و رضائی، ۱۳۹۵، ص ۵۳-۵۶). زن در اندیشه وهابیت بیشتر به‌مثابه خدمتگزار مرد تفسیر می‌شود، داعش با نگاهی

استراتژیک، کارکردهای مختلف و غیراخلاقی برای زنان قائل است و با بهره‌کشی جنسی از زنان در پوشش‌های گوناگون به استثمار آنان می‌پردازد (فتاحی، ۱۴۰۲). جهاد نکاح از بدعت‌های آنهاست، محمد العریفی، مفتی وهابی معتقد است برای دختران بالای چهارده سال و زنان بیوه جایز است با مجاهدین ازدواج کنند و مدت آن نباید بیش از چند ساعت باشد تا نوبت به باقی مجاهدین هم برسد (رفیعی، ۱۴۰۳)، در توجیه جهاد نکاح، آن را سنت حسنه معاویه در جنگ صفین می‌داند (عصر ایران، ۱۳۹۳).

عقل‌گرایی

در رویکرد عقل‌گرایی جنسیت عمدتاً بر مبنای تفاوت‌های زنان و مردان در نحوه آفرینش، مورد توجه قرار گرفته و از همین خاستگاه ابعاد و مفاهیم مرتبط با آن تفسیر می‌شود. در این میان شهید مطهری مسائل حقوقی مرتبط با جنسیت را در یک مجموعه نظام‌مند مورد تحلیل قرار می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۵۶۷) و با ارجاع به پیوند حقوق با ارزش‌های اخلاقی در سبک زندگی اسلامی، تشابه حقوقی را خلاف عدالت جنسیتی دانسته، معتقد است اسلام بر مبنای پاره‌ای از تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد، تشابه حقوقی را ظلم بر زن دانسته و از امتیازات حقوقی مساوی، اما متناسب با خلقت زنانه و مردانه دفاع می‌کند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۱۳۹). از نظر وی زنان و مردان متناسب با هدفی که برای آن آفریده شده‌اند، دارای استعداد‌های مناسب و نسبتاً متفاوتی هستند و لازمه استعداد‌های جنسیتی، تفاوت آنها در حقوق و تکالیف است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۱۵۸-۱۵۹). از منظر استاد مطهری دستگاه خلقت از طریق آفرینش زن و مرد، تولید نسل را تعقیب می‌کند، برای تقویت همکاری آنها طرح اتحاد را ریخته است، کاری کرده است که منفعت‌طلبی تبدیل به خدمت و ایثار شود، تفاوت‌های طبیعی زن و مرد موجب جذابیت آنها برای همدیگر می‌شوند، علاقه زن و شوهر به همدیگر ایثار‌گرایانه بوده (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۱۸۱-۱۸۲)، زن متکی و مرد تکیه‌گاه به‌شمار می‌آید (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۴۹۲). از منظر ایشان جنسیت خاستگاه اصلی تفاوت در سبک زندگی زنانه و مردانه بوده و هر کدام باید به بسط مواهب طبیعی خود در جهت سرشت خاص خویش بدون تقلید از جنس مقابل خود بکوشند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۱۶۸).

برهانی عرفانی

گروهی از متفکران مسلمان جنسیت را از منظر عرفانی تحلیل کرده و زن را مظهر جمال و مرد را مظهر جلال الهی می‌دانند. از منظر عرفا روح منزه از پدیده‌های ذکورت و انوئت بوده، مردانگی و زنانگی وصف تن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰). بدن ابزار محض برای روح بوده (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰) و کمالات انسانی مربوط به روح مجرد می‌شود، جنسیت از احکام تن و در سطح کارهای عملی معنا یافته (جوادی آملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۶) و در سطح روحانی اساساً دوگانگی جنسیت دیده نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۷۶-۸۰)، منتها روح به‌مثابه آب است

که در دو ظرف متعین زنانه و مردانه ریخته شده و متناسب با همان ظروف شکل ویژه می‌یابد (مستقیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹-۲۰۰). زن به ظرافت گل خلق شده و وظایف ظریفانه دارد، اما مرد دارای صلابت جسمی بوده و عهده‌دار کارهای سخت است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۷). تفاوت آنها صنفی است مانند تفاوت اصناف دیگر. تناکح امری فراگیر و عامل پیوند نکاح، محبت دانسته می‌شود (عطار و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۵)، تناکح ناشی از حرکت حُبّی در مراتب کلی وجود است. برخی از عرفا عالم خاک را صورت نازلۀ تناکحات عالیۀ آسمانی می‌دانند. از این منظر تفاوت جنسیت زن و مرد برای حصول نوع نازلۀ تناکح در این عالم و تکثیر نسل تفسیر می‌شود (مستقیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۹-۲۱۰). در انگارۀ عرفانی همه تجلیات به مسئله عشق باز می‌گردند، عشقی که مبدأ آن غریزۀ جنسی باشد نیز خبیث نیست؛ زیرا غریزۀ جنسی خبیث نیست. مهم این است که در این عشق ملازمات شرعی رعایت شود، عشق در چارچوب زناشویی پرتوی از عشق عرفانی است؛ چون حجاب و عفت در کنار عشق متقابل زن و شوهر، راهی به سوی خدا می‌سازد (مستقیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۴-۲۱۶).

رویکرد تلفیقی

رویکرد این تحقیق هرچند مبتنی بر رویکردهای عقلی و عرفانی است؛ اما رویکرد روش‌شناختی آن ترکیبی است. روش مسیری است که برای تحصیل یک معرفت طی می‌شود، اما روش‌شناسی نوعی معرفت درجۀ دوم است که از نظر به روش‌های معرفتی پدید می‌آید. روش و روش‌شناسی متناسب با انواع نظام‌های معرفتی، متنوع است و هر معرفتی از هر نوع روشی به‌دست نمی‌آید و انواع مختلف تحقیق، روش‌های گوناگونی را طلب می‌کند (پارسانیا، ۱۳۸۸، ص ۴۰-۴۱). در حوزه معارف اسلامی، قرآن منبع اصلی معرفت است؛ زیرا سایر منابع معرفتی یا اساساً اعتبار خود را از قرآن اخذ می‌کنند، یا اینکه در پرتو عقلانیت قدسی قرآن بارور می‌شوند. رویکردهای روش‌شناختی فهم قرآن متعدد است که از میان آنها ابتکارات علامه طباطبائی در روشمند کردن «تفسیر قرآن به قرآن»، رویکرد موضوعی شهید صدر و دیدگاه معناشناختی ایزوتسو، به‌رغم اینکه هر کدام عمدتاً محوری از محورهای تفسیری را پوشش داده و چشم‌اندازهای متفاوتی را آشکار می‌سازد، اما از قربات‌های زیادی نیز برخوردار بوده و مباحث آنها به‌گونه‌ای هم‌دیگر را تکمیل می‌کنند که از طریق ترکیب قواعد و ابزارهای تفسیری آنها، می‌توان به‌طور دقیق‌تر موضوعات مورد تحقیق از جمله مفهوم جنسیت از منظر متون دینی را واکاوی کرده و مؤلفه‌های معنای آن را بررسی کرد.

تفسیر قرآن به قرآن، عبارت است از تبیین آیات فرعی به‌وسیله آیات محوری، و مراد از آیات محوری به تعبیر علامه «غرر آیات» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۶۱)، آیاتی هستند که مواد لازم را برای پی‌ریزی یک بنای معرفتی در خود دارند، اما آیات فرعی تنها عهده‌دار بخشی از مواد این بنا می‌باشند. از ابتکارات علامه شناسایی

چنین آیات زیربنایی است که در پرتو آنها مفاد بسیاری از آیات روبنایی روشن می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص ۱۹). «توحید مرکز بودن قرآن»، اصل راهبردی از منظر علامه است؛ چراکه معارف توحیدی اساس تمام معارف قرآنی را شکل می‌دهد. بر همین اساس است که علامه آیات توحیدی را به‌عنوان «غیر آیات» مفسر سایر آیات می‌داند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۳۹). بر اساس این اصل، صورت‌بندی دیدگاه قرآن در تمام موضوعات از جمله در باب «جنسیت» باید در پرتو مفاهیم توحیدی انجام شوند.

روش موضوعی از منظر شهید صدر دارای اهمیت محوری است و مقصود از آن، بیان مفاد مفاهیم قرآن در موضوع خاص با بهره‌گیری از مجموعه آیات مرتبط با آن موضوع، بر اساس روش عقلایی و ادبیات زبان عربی است (رجبی، ۱۳۸۸، ص ۳). از اصول مهم روش موضوعی، گفت‌وگو محوری، واقع‌گرایی (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۰-۳۴) و بهره‌گیری از اندیشه بشری، یعنی مطالعه تطبیعی نظریه متفکران با نظریه قرآنی در موضوع مورد نظر است (بری، ۱۴۲۲ق، ص ۱۷۷-۱۷۹). طبق این اصول، فرایند اکتشاف نظریه قرآن از درون نص آغاز و به نص ختم نمی‌شود، بلکه فرایند پژوهش از متن زندگی شروع و به استنباط قوانینی از نصوص منتهی می‌شود. به این صورت که محقق پرسش‌هایی را از واقعیات زندگی بر قرآن عرضه می‌دارد تا موضع اسلام را در قبال آنها به‌دست آورد.

مبنای‌ترین فرض معناشناختی ایزوتسو، نظام‌مندی آیات است و از این منظر مفاهیم در بیرون از شبکه ارتباطی فقط حامل معنای اولیه خود است و معنای اصلی آن در شبکه‌ای ارتباطی آشکار می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۱۷). او بر همین مبنا تلاش کرد تا با استفاده از روش‌های جدید معناشناختی، نظریه یا به تعبیر خود او ساخت «جهان‌بینی» قرآن را کشف کند. به باور او زبان تنها وسیله سخن گفتن نیست، بلکه مهم‌تر از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای تفسیر کردن جهان که جامعه زبانی را احاطه کرده است، به کار می‌رود. طبق مفروضات این روش، نظام معنایی قرآن متشکل از شبکه‌ای از مفاهیم کلیدی است که روابط متقابل داشته و معانی‌شان متکی بر یکدیگر است و این شبکه‌ها حول مفاهیم کانونی شکل می‌گیرند (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۵-۴). بنابراین صورت‌بندی مفهوم جنسیت مستلزم آن است که تمام مفاهیم و آیات مربوطه در یک شبکه ارتباطی تحلیل شوند.

این تحقیق با چنین رویکرد ترکیبی که می‌توان از آن به «روش تفسیر موضوعی معناشناسانه» نیز تعبیر کرد و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، سعی دارد مفاهیم کلیدی مرتبط با مفهوم جنسیت را از متون دینی به‌ویژه آیات قرآن استخراج کرده و شبکه مفهومی این حوزه را متناسب با دستگاه زبانی قرآن صورت‌بندی کند. این مدل مشتمل بر اصول راهبردی و فنون کاربردی است. مراد از اصول راهبردی، قواعدی زیربنایی است که چارچوب کلی مواجهه محقق با نصوص را تعیین می‌بخشند. این اصول عمدتاً از رویکرد موضوعی شهید صدر و روش تفسیری علامه اخذ شده‌اند. فنون همان ابزارهای کاربردی هستند که شناسایی نظام معنایی یا فهم مفاهیم و آیات قرآن را میسر نموده و زمینه اکتشاف

نظریه قرآن در باب موضوع مورد پژوهش را تمهید می‌کند که عمدتاً بر مبنای نظریه معناساختی ایزوتسو منطبق سازی شده است. در این مدل روشی جنسیت مفهوم کانونی و میدان معناساختی به‌شمار می‌آید که با مجموعه مفاهیم کلیدی، دیدگاه توحید مرکزی قرآن در این حوزه را مشخص می‌کند. هرچند مفهوم جنسیت با مفاهیم فراوانی مرتبط است؛ اما مفاهیم کلیدی آن تعدادی از مفاهیم محوری از قبیل تفاوت‌های جنسی، هویت جنسیتی، تقسیم کار جنسیتی و مفاهیم مرتبط با این محورها هستند که در پیوند با همدیگر تا حدودی چپستی، سطوح، ابعاد و احکام جنسیت در قرآن را قابل فهم ساخته و ضرورت نگاه سیستمی به این موضوع در جامعه‌شناسی اسلامی را آشکار می‌سازد.

جنسیت و تفاوت‌های جنسی

تفاوت‌های جنسی مفهوم ناظر به خاستگاه جنسیت است. جنسیت بر مبنای معارف قرآنی هرچند در گوهر هستی (نساء: ۱) و هدف غایی از خلقت زن و مرد نقشی ندارد (ذاریات: ۵۶)؛ اما دوگونه آفریده شدن آنها حاکی از نقش‌های جنسیتی متقابل است که دستگاه خلقت به عهده آنها نهاده است. مرد و زن هر کدام به‌تنهایی ناقص بوده و از مجموع آن دو، یگانه کامل به وجود می‌آید (ابراهیمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۳۵۰). زن به ظرافت گل خلق شده (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۵۶) و امانت الهی در دست مرد است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۵). زنان و مردان کارگزاران الهی در نظام آفرینش به‌منظور تولید و بازتولید نسل توحیدی در کادر زناشویی هستند (نساء: ۱). در راستای تحقق این هدف، گرایش‌های نسبتاً متفاوت، اما متقابلی در وجود زن و مرد تعبیه شده‌اند که منجر به تشکیل خانواده می‌شود. زن منبع آرامش (روم: ۲۱) و مرد عهده‌دار آسایش در نهاد خانواده هستند (نساء: ۳۴). خلقت دوگونه و نقش‌های نسبتاً متفاوت زنان و مردان، موجب تفاوت‌های هرچند نسبی، اما معنادار در ساختار نفس زنانه و مردانه می‌شود. ساختار نفس انسانی متشکل از سه دستگاه درهم‌تنیده ادراکی، تمایلات و توانایی است. دستگاه توانایی در قاعده هرم قرار دارد و از زیرمجموعه تمایلات به‌شمار آمده و ناظر به نظام عملی است. بالاتر از آن، دستگاه تمایلات قرار دارد که از یک‌سو مبدأ قدرت و اراده محسوب می‌شود و از سوی دیگر، متأثر از دستگاه ادراکی، یعنی مسبوق به شناخت می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۲-۱۹۹). از چنین خاستگاه هستی‌شناسانه می‌توان نسبت جنسیت با تفاوت‌های اندامی، ادراکی و عاطفی زنان و مردان را درک و تعیین کرد.

۱. تفاوت‌های اندامی

هرچند سطوحی از تفاوت‌های اندامی زن و مرد آشکار است؛ اما داده‌های علمی ظرفیت‌ها و ظرافت‌های را گزارش می‌کند که به فهم فلسفه آفرینش زن و مرد از منظر قرآن مدد می‌رساند. بر مبنای دانش تجربی، تفاوت‌های زیستی زن و مرد عمدتاً ناشی از تفاوت هورمونی و متأثر از مواد ترشح شده از غدد تناسلی در خون است، به‌گونه‌ای که تک‌تک سلول‌های بدن، به‌ویژه سلول‌های دستگاه عصبی زن و مرد، نشانه جنسی بر روی خود دارند (حسین‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۶۳). هر سلولی از ۲۳ جفت کروموزم تشکیل شده است که ۲۲ جفت آن مشترک، ولی یک جفت آن در زن XX

و در مرد XY است. کروموزوم Y باعث می‌شود جنین پسر باشد. کروموزوم X عنصر اصلی موجودیت انسان است و انسان با کروموزوم Y که مردانه است، به وجود نمی‌آید. کروموزوم‌های X به کروموزوم‌های Y نیاز ندارند، برخلاف کروموزوم‌های Y که به کروموزوم‌های X نیاز دارند. از این منظر، زن جنس پایه و مرد جنس فرعی گفته می‌شود. دستگاه تناسلی مرد حدود ده سال دیرتر از دستگاه تناسلی زن از فعالیت باز می‌ماند، ولی محدوده مناسب برای بارداری زنان اندک است؛ چراکه بهترین سن برای بارداری آنها از ۱۹ تا ۲۵ سالگی است و بعد از ۳۰ سالگی قدرت باروری آنها کاهش می‌یابد (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۷۳-۷۵). زن دارای امکانات ویژه برای شیر دادن و تغذیه کودک است (دیلمی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵). زن دارای عادت ماهانه است که در قرآن از آن تعبیر به رنج شده (بقره: ۲۲۲)، و همین رنج بر ضعف جسمانی زنان مؤثر است (دیلمی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴). مردها تارهای صوتی ضخیم دارند، اما زنان لطیف‌تر سخن می‌گویند. محققان معتقدند هورمون ویژه جنسی مرد (تستوسترون) اثر فراوانی در تولید پروتئین در بدن دارد و رشد بافت‌های عضلانی را تحریک می‌کند؛ از این رو مردان برای انجام کارهای سنگین توانایی بیشتری دارند و آسیب‌پذیری روحی آنان نیز بیشتر است (حسین‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۶۳). مقاومت زن در بسیاری از بیماری‌ها بیش از مرد است. زن زودتر از مرد به مرحله بلوغ می‌رسد و توانایی تولید مثل او زودتر از مرد از کار می‌افتد. دختر زودتر از پسر به سخن می‌آید (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۱۷۸). بر مبنای منطق قرآن چنین تفاوت‌های که در اندام زنانه و مردانه تعبیه شده‌اند، منشأ اصلی تفاوت‌های زنان و مردان در دیگر ساحات وجودی آنها به‌شمار می‌آید.

۲. تفاوت‌های عاطفی

در روان‌شناسی به احساسات و هیجان‌ات مثبت یا منفی عاطفه گفته می‌شود (نجمی، ۱۳۸۲، ص ۳۹). عاطفه در نگرش جامعه‌شناختی به‌عنوان نیاز اجتماعی دارای شاخص‌هایی از جمله نیاز به احترام، نیاز به توجه، نیاز به محبت و نیاز به مداراست (بستان، ۱۳۸۸، ص ۳۲). بر مبنای آیات قرآن عواطف زنانه، آرامش‌بخش (روم: ۲۱) و عواطف مردانه، اطمینان‌بخش است (نساء: ۳۴). زنان تمایل زیاد به زینت و آرایش دارند (زخرف: ۱۸). جنسیت و عاطفه در علوم بشری چنین تبیین می‌شود که هورمون‌های جنسی نر موجب رفتارهای خشن تهاجمی، رقابت و درگیری می‌شوند، برخلاف هورمون‌های جنسی ماده که آرام‌بخش بوده و موجب رفتارهای صلح‌جویانه می‌شوند (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۷۳). احساسات مرد طالبانه و احساسات زن مطلوبانه است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۱۸۴). مردها راز دارند و لذا ابتلای آنها به بیماری‌های ناشی از کتمان راز بیش از زنان است. زن از مرد رقیق‌القلب‌تر است و فوراً به‌گریه متوسل می‌شود. مرد بنده شهوت خود و زن در بند محبت مرد است. زن از مرد دلبری می‌خواهد و مرد از زن دلبری (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۷۸-۱۷۹). زن متکی و مرد تکیه‌گاه است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۴۹۲). بر مبنای منابع روایی، متناسب با تفاوت‌های عاطفی، زنان و مردان هر کدام دارای تمایلات اخلاقی نسبتاً متفاوت، اما معنادار نیز هستند، به‌گونه‌ای که نود درصد از حیا در خلقت زنانه و ده درصد آن در وجود مردها تعبیه شده است. به هر میزانی که از ویژگی‌های جنسی زنانه

بازنمایی شود، از حیای آنها نیز کاسته می‌شود (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۶۸). غیرت ناموسی ریشه در طبیعت مردان داشته و غیرت زنان حسد شمرده می‌شود؛ لذا هیچ مردی اجازه نمی‌دهد همسرش شوهر دیگری داشته باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۵). صبر جنسی زن ده برابر مرد بوده و در هنگام بارداری افزایش می‌یابد (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۳۹). صبوری جنسی موجب تقویت اخلاق جنسیتی و تعادل عاطفی در زنان می‌شود (دیلمی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸).

۳. تفاوت‌های ادراکی

برخی مفسران از آیه ۱۸ سوره زخرف، فزونی عواطف و ناتوانی تعقل زنان را استنباط کرده و معتقدند جنس زن به دلیل برخورداری از عواطف سرشار، قدرت تعقلش نسبت به مردان ضعیف‌تر بوده (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۳۴) و بیشتر در معرض مغالطه عاطفی قرار دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۰). مغالطه عاطفی ناظر به نقش علایق در تخیل، افکار و استنتاجات عقلی افراد است (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰). همچنین از آیه ۳۴ سوره نساء، فزونی درک عقلانی مردان نسبت به زنان را در راستای نقش مدیریتی مرد در نهاد خانواده استنباط کرده‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۷۰). آیت‌الله جوادی آملی تأثیر جنسیت در عقل عملی را ممکن دانسته (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۵) و شهید مطهری معتقد است شاید زن در علوم استدلالی به پای مرد نرسد، ولی در ادبیات و نقاشی دست‌کمی از مرد ندارد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۱۷۸-۱۷۹). بر مبنای علوم تجربی نیز جنسیت از معبر تفاوت‌های اندامی و عاطفی زنان و مردان، دستگاه ادراکی آنها را متأثر می‌کند (فتحی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۳). از یک طرف هورمون‌های زنانه نسبت به هورمون‌های مردانه بروز عاطفی بیشتری دارند و میزان عواطف و نوع تمایلات، فرایند ادراک را تا حدودی متفاوت می‌سازند؛ از سوی دیگر زنان به‌طور طبیعی در استفاده هم‌زمان از دو نیم‌کره مغزشان توانا تر از مردان هستند، به همین دلیل دو نیم‌کره مغز در آنها تخصصی نیست. همین امر از سطح تمرکز و دقت زنان در مسائل انتزاعی و پیچیده علمی می‌کاهد (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۷۳-۷۶).

جنسیت به مثابه هویت انسانی

هویت جنسیتی مبتنی بر تفاوت‌های جنسی بوده و مفهوم ناظر به شخصیت زنانه و مردانه است که در ادبیات قرآن از آن به شاکله شخصیتی تعبیر می‌شود (اسراء: ۸۴). مراد از شاکله، نظام شخصیتی است که منشأ منش و رویه رفتاری انسان‌ها به‌شمار می‌آید. از نظر علمی هورمون‌های جنسی در ایجاد و رشد هویت جنسیتی تأثیری اساسی دارند (سفیری و نعمت‌الهی، ۱۳۹۱، ص ۴۷). این هورمون‌ها موجب می‌شود که جنس مذکر ظاهر و رفتار مردانه و جنس مؤنث ظاهر و رفتار زنانه پیدا کند و نظام فرهنگی در تقویت و تضعیف هویت جنسیتی مؤثر است. اسلام نیز هویت جنسیتی را دارای بخش ثابت تکوینی و بخش سیال فرهنگی می‌داند. تفاوت‌های تکوینی هویت‌های ثابت زنانه و مردانه را پی‌ریزی می‌کند و بخش فرهنگی ناظر به هویت متغیر است که اشاره به تربیت‌پذیری انسان‌ها دارد (هاشمی علی‌آبادی و خسروی، ۱۴۰۰، ص ۲۱۱). انسجام هویت جنسیتی ناشی از تناسب این دو بخش است. تشابه زن با مرد، اهانت به زن، منشأ

از خودبیگانگی زنان با هویت زنانگی‌شان و دارای پیامدهای ویرانگر در حوزه خانواده است (محبی، ۱۴۰۲، ص ۹۳). عنصر محوری در حوزه هویت جنسیتی انطباق آن با ماهیت انسانی زن و مرد است. هویت جنسیتی را با ارجاع به نظام معنایی قرآن، می‌توان در سطوح سه‌گانه کرامت، عدالت و خودسازی جنسیتی تحلیل و فهم‌پذیر ساخت.

۱. جنسیت و کرامت انسانی

کرامت ناظر به حقیقت انسانی بوده و از مفاهیم مبنایی در حوزه هویت جنسیتی است. کرامت به‌معنای بزرگی، بزرگواری و بزرگواری داشتن کسی است (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۱۲، ص ۱۸۲۳۰). کرامت به ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌شود. از منظر قرآن زن و مرد در کرامت ذاتی و کسب کرامت اکتسابی تفاوتی ندارند؛ زیرا هر دو در حقیقت انسانی مشترک بوده (نساء: ۱) و به‌طور یکسان از کرامت ذاتی برخوردار هستند (اسراء: ۷۰). کرامت اکتسابی آنها نیز به‌طور یکسان محصول تقواست (حجرات: ۱۳). متها تفاوت‌های طبیعی، مسیر کسب کرامت اکتسابی را برای زن و مرد متفاوت می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۷)؛ زیرا خداواری و خودباوری عوامل محوری در کسب کرامت انسانی هستند. خداواری انسان را با حقیقت کریمانه او پیوند می‌دهد و خودباوری بر مبنای این اتصال، آدمی را باورمند به شرافت انسانی می‌سازد. از چنین خاستگاهی کرامت اکتسابی با هویت زنانگی و مردانگی مرتبط شده و عمدتاً معطوف به وظایفی است که در دستگاه خلقت برای آنها تعریف شده است. زن تجلی مهر الهی است که راه عبودیتش از مسیر همسری و مادری می‌گذرد. بانو امانت الهی (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۵)، شوهر نعمت الهی (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۶۲)، پسران نعمت و دختران حسنه هستند (صابری یزدی، ۱۳۷۵، ص ۴۴۱-۴۴۲)، جهاد زن، بارداری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۵۲) و خوب شوهرداری کردن بوده (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹) و نشستن مرد در کنار همسرش عبادت است (ورام، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۲).

۲. جنسیت و عدالت حقوقی

عدالت مفهوم کانونی در مناسبات اجتماعی (حدید: ۲۵) و مفهوم کلیدی در حوزه حقوقی است که ارتباط وثیقی با هویت جنسیتی دارد. تناسب حقوقی، معنای محوری عدالت جنسیتی است و بر مبنای آن، هر کدام از زن و مرد باید به وظیفه خود پرداخته و از مزایای آن بهره‌مند شوند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۰). از لوازم عدالت جنسیتی، عدم تشابه زن و مرد در پاره‌ای از حقوق است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۳۹). نظام حقوقی اسلام مبتنی بر تساوی حقوقی است. زنان و مردان در کلیت این نظام دارای حقوق مشترک فراوانی هستند (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۵۹)؛ مانند حق اشتغال (نساء: ۳۲)، تحصیل (زمر: ۹)، آزادی بیان (توبه: ۷۱)، مالکیت (نساء: ۳۳)، فعالیت در عرصه سیاسی (ممتحنه: ۱۲) و حقوق زناشویی (بقره: ۱۸۷). به‌طور کلی اصل نخست تشابه حقوقی زن و مرد است و عدم تشابه در پاره‌ای از مسائل لازمه عدالت جنسیتی و حقوق فطری برآمده از طبیعت آنهاست (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۳۷-۱۳۹). زن و مرد متناسب با هدفی که برای آن آفریده شده‌اند، دارای استعدادها مناسب و نسبتاً متفاوتی هستند، هر استعداد طبیعی مبنای یک حق طبیعی است. لازمه

استعدادهای متفاوت زن و مرد، تفاوت آنها در حقوق و تکالیف است (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸-۱۵۹). تفاوت در نوع خلقت موجب تفاوت در وظایف (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۶۷)، تحرک، جذابیت و پیشرفت می شود (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۹۳). عدالت حقوقی هویت جنسیتی را تقویت کرده و موجب استحکام خانواده می شود.

۳. جنسیت و تکامل معنوی

خودسازی از ابعاد هویت و مفهوم ناظر به نظام اخلاقی است که معطوف به حیات طیبه معنا می یابد. از منظر قرآن وصول به حیات طیبه برای زن و مرد به طور مساوی میسر است (نحل: ۹۷). صفات ارزشی دیگر نیز از قبیل علم و جهل، ایمان و کفر، دلت و عزت، سعادت و شقاوت، فضیلت و رذیلت، حق و باطل، صدق و کذب، تقوا و فجور، اطاعت و عصیان، انقیاد و تمرد، غیبت و عدم غیبت، امانت و خیانت (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۷۸) و دیگر کمالات ملکوتی که مؤمنان را به اوج عظمت می رساند، جنسیت بردار نیستند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳)، اما بر مبنای تفاوت های صنفی، مسیر رسیدن زنان و مردان به سعادت، تفاوت نسبی می یابد. زنان عمدتاً از مسیر عاطفه حرکت می کنند و مردها از راه اندیشه و قهر (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۷). تفکر راه فرعی و غیر فراگیر است، اما راه دل راه اصلی است و در این راه زنان نه تنها همتای مردها که موفق تر از آنها هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۸)؛ زیرا زن موجود عاطفی و دارای رقت قلب بیشتر است و رقت قلب در این راه نقش مؤثرتری دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۴). زن موعظه پذیرتر است و دلی آزموده تر از مرد دارد. با توجه به دل آماده زنان برای انتشار محبت و عاطفه، ارزش محوری برای زن همسری و مادری است تا به پرورش انسان بپردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۵). زنان هرچند در برخی حالات از قبیل عادت ماهیانه از عبادت محروم هستند، اما شش سال زودتر از مرد مشرف به شرف عبادت الهی می شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۱). اسلام با حفظ حریم زن هرگز مخالف حضور زنان در جامعه نیست (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۵۵۱)، شرط حضور آنها رعایت عفت و حجاب و اجتناب از محیط های ناسالم است (قصص: ۱۰-۱۱). به دستور قرآن، زنان در معاشرت های اجتماعی باید با متانت عمل کرده و با عشوہ سخن نگویند تا موجب انحراف افراد آسیب پذیر نشوند (احزاب: ۳۲). اسلام با تشریح حجاب می خواهد انواع التذاذهای جنسی در کادر ازدواج اختصاص یافته (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۴۳۳) و فرهنگ عفاف در جامعه تقویت شود؛ لذا خودنمایی زنان برای غیر شوهران شان تقبیح شده (نور: ۳۱) و تبرج (احزاب: ۳۳) آنها در حکم زنا دانسته می شود (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۸). در مجموع خودسازی و تکامل معنوی زن و مرد مستلزم التزام عملی آنها به همه هنجارهای دینی و از جمله به فرهنگ عفت و حیاست.

جنسیت و تقسیم کار

تقسیم کار جنسیتی حاکی از نحوه حضور اجتماعی زنان و مردان بوده و در واقع سطح ظاهری مفهوم جنسیت را در عینیت جامعه بازتاب می دهد. برجسته ترین حوزه تقسیم کار جنسیتی نهاد خانواده است و عمدتاً بر همین مبنا مناسبات زن و مرد در دیگر عرصه ها نیز تعیین می شود. تقسیم کار جنسیتی از همگانی های فرهنگ بشری

بوده و امروزه نیز در اغلب خانواده‌ها همچنان پابرجاست (بستان، ۱۳۹۷، ص ۴۳). از نظر جامعه‌شناسی بیشترین کارایی خانواده منوط به تقسیم جنسیتی کار است. اگر نقش‌های مراقبت و حمایت عاطفی به عهده زن بوده و مرد متکفل نقش‌های ابزاری و نان‌آور خانواده باشد، انسجام و استحکام خانواده تأمین می‌شود (مالیار، ۱۳۹۴، ص ۱۳۲). اسلام نیز کارهای سخت را وظیفه مرد می‌داند تا زن آسایش و نشاط داشته باشد. وقتی زن آسوده و بانشاط بود، کانون خانوادگی را محل آسایش مرد ساخته و بستر مناسبی برای پرورش فرزندان صالح فراهم می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۲۲۳). تقسیم کار جنسیتی در نهاد خانواده، مرتبط با سه مفهوم کلیدی پایگاه، هنجارها و جامعه‌پذیری جنسیتی است. دلالت‌های این مفاهیم در دستگاه زبانی قرآن، فراتر از معنای اصطلاحی دارای ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های ویژه اخلاقی است.

۱. پایگاه‌های جنسیتی

پایگاه جنسیتی ناظر به ساختار خانواده است. پایگاه به منزلت یک فرد در گروه و یا به رتبه یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر اطلاق می‌شود. پایگاه منزلتی فرد، حقوق و مزایای یک شخص را معین می‌کند. نقش به آن رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از دارنده یک منزلت معین انتظار دارند. پایگاه‌های جنسیتی حامل نقش‌هایی است که دیگران از اعضای خانواده انتظار دارند (کوئن، ۱۳۸۱، ص ۵۷). با تشکیل خانواده، موقعیت‌های از قبیل شوهری، بانویی، پدری، مادری و فرزندگی ایجاد می‌شوند. در نگرش قرآنی مرد از موقعیت شوهری و پدری در پایگاه محوری قوامیت قرار می‌گیرد (نساء: ۳۴). قوامیت در این نظام معنایی از سنخ ولایت است و نه تنها استبداد را بر نمی‌تابد که حامل از خودگذری بوده (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۷۰) و ولی موظف به تأمین معیشت (مؤمنون: ۵۱) و مراقبت از فضای معنوی خانواده است (تحریم: ۶). زن از موقعیت بانویی و مادری به‌عنوان سیده خانه (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۶۱۴)، دارای پایگاه مدیریتی شده و نقش محوری او آرامش بخشیدن به خانواده است (روم: ۲۱). به‌رغم اینکه فرایند فرزندآوری مهم‌ترین دلیل برای تشکیل خانواده به‌شمار می‌آید (نساء: ۱)؛ اما پایگاه فرزندگی از کمترین قدرت برخوردار است (اسراء: ۳۳). مرد در موقعیت شوهری دارای بیشترین منزلت می‌باشد، ولی منزلت زن در موقعیت مادری بالاتر از منزلت پدری دانسته می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۹۲). هرکدام از این پایگاه‌ها نقش‌های خاصی را اقتضا دارد که متناسب با آن نقش‌ها، شبکه هنجاری ساخت یافته و رفتارهای جنسیتی معنادار می‌شوند.

۲. هنجارهای جنسیتی

هنجار مفهوم کلیدی در حوزه رفتارهای جنسیتی است. هنجار معیار پذیرفته‌ای است که گروه از نظر فکری و رفتاری از اعضایش انتظار دارد. هنجار در قالب آداب و رسوم، عرف و قانون نمایان می‌شود (کوئن، ۱۳۸۱، ص ۳۸-۳۹). هنجارها به تحدیری و تجویزی تقسیم می‌شوند. هنجارهای تحدیری کارهایی را مشخص می‌کند که نباید انجام داده شوند و هنجارهای تجویزی ناظر به کارهایی است که شخص باید انجام دهد (کوئن، ۱۳۸۱، ص ۱۴۶). مراد از هنجارهای جنسیتی مجموعه

قواعد و احکامی هستند که در دو سطح الزامی و غیرالزامی، رفتارهای مردانه و زنانه را تنظیم می‌کند (ابراهیمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۸۱). مرد در پایگاه قومیت خانواده باید مراقب افراد تحت تکفل خود باشد (تحریم: ۶)، آنها را به کارهای نیک امر کرده و از اعمال زشت بازدارد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۴۲)، معیشت آنها را از روزی حلال تأمین کرده (مؤمنون: ۵۱)، از خست اجتناب کند (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۸۴)، بانو را مشاور اصلی خود دانسته و با او همفکری کند (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶). هنجارهای بانویی عمدتاً بر مبنای آرامش‌بخشی استوار است. مهم‌ترین وظیفه زن خوب همسررداری کردن است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۳۹)، و باید با حمایت‌های عاطفی خود از فشارها و تنش‌های کاری مرد کاسته، موجب آسایش و پشتگرمی او شود (مالیار، ۱۳۹۴، ص ۱۳۲). هنجارهای پدری و مادری معطوف به تربیت فرزندان صالح است. پدر وظیفه دارد نیازهای عاطفی (مالیار، ۱۳۹۴، ص ۱۷۳) و مادی فرزندان را تأمین کرده (مؤمنون: ۵۱) و زمینه ازدواج آنها را فراهم سازد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۸۲). از وظایف زن پذیرفتن فرزندآوری (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۹) و پرورش دادن نوزاد است (بقره: ۲۳۳). دختران باکره باید با اجازه پدر خود ازدواج کنند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۷۰).

۳. جامعه‌پذیری جنسیتی

جامعه‌پذیری جنسیتی فرایندی است که در خلال آن، نقش‌ها، انتظارات و الگوهای رفتاری که در یک فرهنگ معین برای هریک از دو جنس معین شده، درونی می‌شوند. این فرایند بازنمود تفاوت‌های جنسیتی است (حاجی اسماعیلی، ۱۴۰۲، ص ۸۵). خانواده بستر اصلی جامعه‌پذیری است، والدین و کودکان در جامعه‌پذیری به کسب دانش، نگرش‌ها، مهارت‌ها، ارزش‌ها و انتظاراتی می‌پردازند که به آنها امکان یکپارچگی با روابط اجتماعی جدید را می‌دهد (استافورد و بایر، ۱۳۷۷، ص ۱۴۳). خانواده در فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی، تفاوت‌های زنانه و مردانه را در کودکان ایجاد نمی‌کند، بلکه به تفاوت‌های طبیعی پاسخ می‌دهد (حاجی اسماعیلی، ۱۴۰۲، ص ۸۷). جامعه‌پذیری جنسیتی فرایندی برای احراز جایگاه‌های همسری، مادری و پدری است. در دستگاه زبانی قرآن، جامعه‌پذیری عمدتاً معطوف به پرورش فرزند صالح معنا می‌یابد، فرزند صالح، نور دیده (فرقان: ۷۴) و موجب آرامش انسان است (مریم: ۵). در اسلام تربیت فرزندان تکلیف الزامی موقعیت پدری است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۸۰)، اما مادر به دلیل حضور بیشتر در منزل و ارتباط عاطفی با فرزندان، از بیشترین نقش الگویی برخوردار است (ابراهیمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۵۱۴) و در قبال فرزندان خود مسئول دانسته می‌شود (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۱۳). از دیدگاه امام خمینی * نقش مادر در نونهالان و نقش پدر در نوجوانان، بسیار حساس است. اگر فرزندان در دامن مادران و با حمایت پدران متعهد به‌طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار دیگر کارگزاران بیرونی مثل معلمان نیز آسان‌تر خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۲۴۵)، اصل مهم در جامعه‌پذیری جنسیتی، لزوم اجتناب والدین از تبعیض میان دختران و پسران خود است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۱۸). مراحل جامعه‌پذیری به مرحله قبل از تولد و سه دوره هفت ساله بعد از تولد که

در سخن رسول اکرم ﷺ از آنها به مراحل سروری، فرمان‌برداری و وزیری تعبیر شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۷) تقسیم می‌شود و هر کدام از این مراحل دارای الزامات خاص است که در این روایت بیان شده است.

نتیجه‌گیری

جنسیت مفهومی است که در انگاره‌ها و مکاتب مختلف، معنای نسبتاً متفاوتی را تداعی می‌کند؛ لذا واکاوی مفهوم جنسیت در دستگاه معاشناختی اسلام ضرورت بنیادین می‌یابد. در حوزه تصویرسازی جهان هستی از منظر اسلام، رویکردهای مختلف و به تبع آن برداشت‌های متفاوتی از مفهوم جنسیت و احکام مرتبط با آن وجود دارد. در این پژوهش نخست مفهوم جنسیت از چند منظر به‌اجمال تفسیر شد و از این طریق تا حدی بنیادهای نظری برای فهم رویکرد روش‌شناختی منتخب تمهید گردید. رویکرد منتخب هرچند در بعد نظری ترکیبی از رویکردهای عقلی و عرفانی به‌شمار می‌آید؛ اما رویکرد روش‌شناختی آن با تلفیقی از «روش‌شناسی معاشناختی» ایزوتسو، روش‌شناسی «تفسیر قرآن به قرآن» علامه طباطبائی و «تفسیر موضوعی» شهید صدر با عنوان «روش تفسیر موضوعی معاشناسانه» ساختار‌بندی گردید و بر همین مبنا مفهوم جنسیت از منظر اسلام صورت‌بندی و معنای آن در دستگاه زبانی قرآن تا حدی آشکار و فهم‌پذیر گردید.

بر مبنای «روش تفسیر موضوعی معاشناسانه»، جنسیت مفهوم کانونی است که معنای آن با مراجعه به مجموعه آیات مرتبط و با روش تفسیر موضوعی و از طریق تنظیم مفاهیم کلیدی مرتبط با آن، قابل فهم است. با چنین رویکردی مفهوم جنسیت در سطوح سه‌گانه مترتب به هم، طبقه‌بندی شد. تفاوت‌های جنسی مفهوم ناظر به سطح خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی است که ابعاد آن با مفاهیم کلیدی، تفاوت‌های اندامی، عاطفی و ادراکی تفسیر می‌شوند. هویت جنسیتی مفهوم ناظر به شخصیت زنانه و مردانه است که ابعاد آن را مفاهیم کلیدی کرامت، عدالت و تکامل جنسیتی پوشش می‌دهند. مفهوم ناظر به حضور جنسیتی افراد در مناسبات اجتماعی، جنسیت و تقسیم کار است. هرچند این مفهوم شامل تمام عرصه‌های اجتماعی می‌شود؛ اما به دلیل عدم ظرفیت این تحقیق و برجستگی تقسیم کار جنسیتی در حوزه خانواده، مفاهیم کلیدی آن صرفاً ناظر به این حوزه استنباط شد که عبارت‌اند از: مفاهیم، پایگاه، هنجارها و جامعه‌پذیری جنسیتی که هر کدام مرتبط به هم بوده و در واقع نشان می‌دهند که زنان و مردان چگونه با احراز پایگاه‌های جنسیتی مبادرت به رفتارهای زنانه و مردانه می‌کنند و این رفتارها چگونه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند.

بر مبنای چنین صورت‌بندی از مفهوم جنسیت می‌توان به این نتیجه علمی و عملی اشاره کرد که در جامعه اسلامی اولاً التزام اعتقادی و عملی به احکام جنسیتی از الزامات طبیعی و تشریحی به‌شمار می‌آیند که باید محترم شمرده شوند؛ ثانیاً در مطالعات پدیده‌های اجتماعی از منظر اسلام، مفهوم جنسیت از اهمیت محوری برخوردار است و نمی‌توان آن را با رویکردهای غیراسلامی تفسیر کرده و برای مهندسی جامعه اسلامی استفاده کرد.

منابع

قرآن کریم.

- ابراهیمی پور، قاسم و دیگران (۱۳۹۵). شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- از مؤسس جهاد نکاح رونمایی شد! وبسایت تحلیلی خبری عصر ایران. تاریخ درج: ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۳. در: <https://www.asriran.com/fa/news/335178>
- استافورد، لورا و بایر، جری (۱۳۷۷). تعامل والدین و کودکان. ترجمه محمد دهگانپور و مهرداد خرازچی. تهران: رشد.
- افروز، احمد و دانایی، ابوالفضل (۱۳۹۷). مطالعه تأثیر جنسیت در شکل‌گیری معنای پیام در فرایند ارتباطات. علوم خبری، ۷(۳)، ۷۸-۶۷.
- الهی دوست، سعیده و دیگران (۱۴۰۱). مقایسه و ارزیابی نقش‌های جنسیتی در فرهنگ قرآن کریم. قرآن، فرهنگ و تمدن، ۳(۴)، ۱۴۸-۱۲۸.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱). خدا و انسان در قرآن. ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸). مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزانه.
- بارانی، ابوالحسن و نبوی، عصمت (۱۴۰۳). واکاوی تطبیقی پیامدهای عدالت جنسیتی در نظریه‌پردازی مفسران فمینیسم اسلامی با تأکید بر آرای علامه طباطبائی، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، ۱۰(۱)، ۱۸۷-۲۰۸.
- باقری، شهلا (۱۳۸۹). راهبرد نظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی جنسیت و جامعه‌شناسی خانواده. مطالعات راهبردی زنان، ۱۳(۵۰)، ۲۲۹-۲۵۹.
- بری، باقر (۱۴۲۲ق). فقه النظریه عند الشهدید الصدر. بیروت: دار الهمادی.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۸). اسلام و تفاوت‌های جنسیتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دفتر امور بانوان وزارت کشور.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی جنسیت با رویکرد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۷). جنسیت در خانواده از دیدگاه جامعه‌شناسی اسلامی. تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۴(۴)، ۳۷-۶۲.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۸). روش‌شناسی علوم انسانی با رویکرد اسلامی. عیار پژوهش در علوم انسانی، ۱(۲)، ۳۹-۵۴.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ). تهران: دنیای دانش.
- جلالوند، انسیه (۱۳۹۴). واکاوی مفهوم جنسیت‌مداری در آموزش و پرورش ایران. سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی. در: <https://elmnet.ir>.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). تسنیم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تفسیر انسان به انسان. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). حیات حقیقی انسان در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). زن در آئینه جلال و جمال. تحقیق محمود لطیفی. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (بی تا). سروش هدایت. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). فلسفه حقوق بشر. قم: اسراء.
- حاجی اسماعیلی، سمیه (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی جامعه‌پذیری جنسیتی از منظر اسلام و رویکردهای جامعه‌شناختی. معرفت، ۳۱(۲۹۴)، ۸۵-۹۴.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت.
- حسین‌زاده، علی (۱۳۹۱). تفاوت‌های زن و مرد، نقش و کارکرد. معرفت، ۲۱(۱۷۴)، ۶۱-۷۲.

- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- دلفی، کریستین (۱۳۸۵). *بازاندیشی در مفاهیم جنس و جنسیت*. ترجمه مریم خراسانی. در: مجموعه مقالات (فمینیسم و دیدگاه‌ها). تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- دیلمی، احمد (۱۳۹۱). جنسیت و هنجار اخلاقی در قرآن و روایات. *اخلاق و حیانی*، (۱)، ۱۰۱-۱۳۳.
- رجبی، محمود (۱۳۸۸). تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح. *قرآن‌شناخت*، (۲)، ۱۱۱-۱۴۶.
- رفیعی، حمیدالله (۱۴۰۳). جایگاه زن از دیدگاه وهابیت و مفتی‌های وهابی. پایگاه علمی - فرهنگی اعتقادی شیعه. در: <https://fa.al-shia.org>.
- سفیری، خدیجه و نعمت‌الهی، زهرا (۱۳۹۱). جهانی شدن و هویت دینی با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، (۳)، ۳۹-۶۶.
- سوزنچی، حسین (۱۳۹۹). جنسیت و فطرت؛ گامی به سوی یک «نظریه جنسی» اسلامی. *مطالعات جنسیت و خانواده*، (۱)، ۱۳۱-۱۵۳.
- صابری یزدی، علیرضا (۱۳۷۵). *الحکم الزاهرة*. ترجمه محمدرضا انصاری محلاتی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۴ق). *المدرسة القرآنیة*. بی‌جا: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: اسلامی.
- عطار، آلی‌لا و دیگران (۱۳۹۸). تألیف و تناح در هستی‌شناسی ابن‌عربی. *الهیات*، (۴۶)، ۱۰۰-۱۱۹.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی مفهوم جنسیت در اسلام و غرب. *مطالعات راهبردی زنان*، (۴۲)، ۴۳-۷۸.
- علاسوند، فریبا (۱۴۰۱). واکاوی مفهومی معیارهای برابری و نابرابری در نظریه‌های عدالت و عدالت جنسیتی. *حقوق عمومی دانشگاه تهران*، (۳)، ۵۲-۱۴۱۲.
- فتاحی، نسربین (۱۴۰۲). تحلیل و نقد دیدگاه وهابیت و پیرامون زیارت اهل قبور توسط زنان بر اساس آرای فریقین. وبسایت دانشگاه رازی. تاریخ درج: ۸ خرداد. در: <https://razi.ac.ir>.
- فتحی، عبدالله (۱۳۹۵). تبیین ادراکات اختصاصی مرتبط با جنسیت: بر اساس نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبائی. *مطالعات جنسیت و خانواده*، (۲)، ۴-۱۳۳.
- فرمانیان، مهدی (۱۳۹۹). زن از منظر سلفیه. *سلفی‌پژوهی*، (۱۲)، ۴۹-۷۶.
- فلسفی، محمدتقی (۱۳۶۸). *الحديث*. تهران: فرهنگ اسلامی.
- فولایان، مجید و بردان کاشانی، زهرا (۱۳۹۷). بررسی کیفی ابعاد بحران هویت جنسیتی مبتنی بر رویکرد نظریه زمینه‌ای. *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، (۱۵)، ۴-۴۰.
- کوئن، بروس (۱۳۸۱). *درآمدی به جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توتیا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: الإسلامیه.
- گل‌بهاری، ندا (۱۴۰۱). تقابل هویت جنسیتی فردی و اجتماعی در تک‌زیستی دختران. *مسائل اجتماعی ایران*، (۲)، ۲۸۱-۳۰۶.
- مالیار، ناصر (۱۳۹۴). تقسیم کار جنسیتی. *پوهنتون خصوصی غالب*، (۲)، ۱-۱۳۳.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.

مجبی، محمدعارف (۱۴۰۲). مردمی شدن خانواده؛ فرایند آسیب‌دیدگی و بحران خانوادگی. معرفت فرهنگی اجتماعی، (۱)۱۵، ۸۵-۱۰۴.

محمدی، مسلم (۱۳۹۲). تحلیل تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد در علوم تجربی و آموزه‌های دینی. انسان پژوهی دینی. ۱۰(۲۹)، ۷۱-۸۱.

مستقیمی، مهدیه‌سادات (۱۳۸۹). رابطه ارزشمندی و جنسیت در دو تحلیل عرفانی و قرآنی. مطالعات راهبردی زنان، ۱۱۳(۴۹)، ۱۹۷-۲۳۴.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). خودشناسی برای خودسازی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار (نظام حقوق زن در اسلام). تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). یادداشت‌های شهید مطهری. تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

میرعلی، محمدعلی و رضائی، اعظم (۱۳۹۵). حدود آزادی فعالیت زن از دیدگاه وهابیت. مطالعات راهبردی زنان. ۱۹(۷۴)، ۵۱-۶۶.

نجمی، رابرت الیاس (۱۳۸۲). روان‌شناسی شادی. ترجمه رؤیا منجم. تهران: علم.

نوری، میرزااحسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل‌البت.

ورام، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق). مجموعه ورام (تنبيه الخواطر). قم: مکتبه فقیه.

هاشمی علی‌آبادی، سیداحمد و خسروی، جواد (۱۴۰۰). بررسی چرایی تفاوت شیوه‌های تربیتی دختران و پسران در خانواده با تکیه بر

آیات و روایات. پژوهش‌های اعتقادی - کلامی، ۱۲(۴۸)، ۳۵۵-۳۷۹.

